

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد بزرگوار: اینجانب هر جا حرف از نجس بودن سگ و گربه می‌زنم، از من سند روایی یا از قرآن می‌خواهند من به چه سندی استناد کنم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خارج از آن‌که سالکِ اِلَى اللّٰهِ متوجه می‌شود سگ از جهتی مظهرِ نفسِ اماره‌ی انسان است و به همین جهت اگر کسی در خواب با سگ روبه‌رو شود، معبر متوجه می‌شود که به نفسِ اماره‌اش نزدیک شده است و این نیز در تجربه‌ی اجتماعی قابل درک است که چگونه انسان‌هایی که بیشتر مشغول آرزوهای نفسِ اماره‌ی خود می‌باشند به همان اندازه تعلق خاطر به سگ دارند و آن را وارد خلوت‌های زندگی خود می‌کنند. زیرا عملاً خود را در آن می‌یابند. و نجس بودن آن تنها به اعتبار وجهِ بیرونی آن نیست، بلکه به اعتبار آن است که نفسِ اماره‌ی انسان را بیش از پیش به انسان بازمی‌گرداند. با توجه به امر فوق در مورد سؤال جنابعالی می‌توان به نکات زیر نیز توجه داشت:

اولاً: قرآن کریم در احکام فقهی معمولاً به کلیات بسنده کرده است. به عبارتی دیگر قرآن همچون قانون اساسی است که فروع قوانین مدنی، حقوقی، جزائی و ... را در آن نمی‌توان یافت.

ثانیاً: تبیین و تفسیر آن را به پیامبر اکرم (ص) و به دنبال آن، امامان معصوم (ع) سپرده است، «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (۲۴) یعنی ای پیامبر ما ذکر بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را بر ایشان نازل شد (قرآن) تبیین و تفسیر نمایی و خود قرآن دستور داده که علاوه بر آنچه خداوند در قرآن بیان فرموده، از سخنان پیامبر (ص) و امامان (ع) اطاعت کنیم: «وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (۲۵) یعنی ای مردم هر چه را رسول الله (ص) به شما دستور داد، اجرا کنید و هر چه را نهی کرد باز ایستید.

اگر پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي» (۲۶)، من دو چیز گرانبها را در میان شما به امانت می‌گذارم که این دو از هم جدا نمی‌شوند «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا»، اگر به هر دوی آنها تمسک کردید هلاک نمی‌شوید. سرّ این فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) این است که تمام آنچه ما به آن احتیاج داریم در نصّ و ظاهر قرآن نیامده است

و ما باید در کنار قرآن روایات پیامبر (ص) و ائمه (ع) را در نظر بگیریم. اما اگر گفتیم یکی را قبول داریم، اگر گفتیم «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»، و عترت را رها کردیم، ضمانتی برای هدایت ما نخواهد بود. این دو چیز را باید با هم داشته باشیم تا بتوانیم به هدایت برسیم. (۲۷)

خلاصه اینکه برای به دست آوردن حکم شرعی، قرآن یکی از منابع استنباط احکام الهی می باشد، علاوه بر کتاب آسمانی ما، روایات معصومین (ع) یکی دیگر از منابع است که اگر حکمی در قرآن ذکر نشده بود باید به این روایات رجوع شود.

نجاست سگ در روایات

عمده دلیل برای حکم به نجاست سگ، روایات می باشند. احادیث زیادی در این باره وارد شده است بطوری که در کتاب ارزشمند **وسائل الشیعه و بحارالانوار**، ابواب مختلفی در این رابطه وجود دارد با عناوین: «بَابُ نَجَاسَةِ سُورِ الْكَلْبِ وَ الْخِنْزِيرِ»، «بَابُ طَهَارَةِ عَرَقِ جَمِيعِ الدَّوَابِّ وَ اَبْدَانِهَا وَ مَا يَخْرُجُ مِنْ مَنَاخِرِهَا وَ اَفْوَاهِهَا اِلَّا الْكَلْبَ وَ الْخِنْزِيرَ»، «بَابُ نَجَاسَةِ الْكَلْبِ وَ لَوْ سَلُوفِيًّا»، «بَابُ جَوَازِ لُبْسِ جِلْدِ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ مَعَ الذَّكَاةِ وَ شَعْرِهِ وَ وَبَرِهِ وَ صُوفِهِ وَ الْاِنتِفَاعِ بِهَا فِي غَيْرِ الصَّلَاةِ اِلَّا الْكَلْبَ وَ الْخِنْزِيرَ وَ جَوَازِ الصَّلَاةِ فِي جَمِيعِ الْجُلُودِ اِلَّا مَا نُهِيَ عَنْهُ»، «بَابُ كَرَاهَةِ اتِّخَاذِ كَلْبٍ فِي الدَّارِ اِلَّا اَنْ يَكُونَ كَلْبَ صَيْدٍ اَوْ مَاشِيَةٍ اَوْ يُضَطَّرَّ اِلَيْهِ اَوْ يُغْلَقَ دُونَهُ الْبَابُ»، «بَابُ تَحْرِيمِ بَيْعِ الْكِلَابِ اِلَّا كَلْبَ الصَّيْدِ وَ كَلْبَ الْمَاشِيَةِ وَ الْحَائِطِ وَ جَوَازِ بَيْعِ الْهَرِّ وَ الدَّوَابِّ» و ...

هر یک از ابواب فوق، روایاتی را در بر دارد که بیان کننده نجاست سگ اند. کسی که از علوم دینی کمترین اطلاعی داشته باشد با دیدن عنوان این ابواب یقین به حکم نجاست سگ در اسلام می کند چه رسد به اینکه روایات هر باب را مطالعه و بررسی کند.

روایاتی که از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) درباره نجاست سگ به ما رسیده اند، دو گونه می باشند:

دسته نخست: روایاتی که به صراحت در آن واژه نجس آمده است. مانند:

۱. «سَأَلَ عِذَابُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ سُورِ السَّنُورِ وَ الشَّاةِ وَ الْبَقْرَةِ وَ الْبَعِيرِ وَ الْحِمَارِ وَ الْفَرَسِ وَ الْبُغْلِ وَ السَّبَاعِ، يُشْرَبُ مِنْهُ أَوْ يُتَوَضَّأُ مِنْهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، اشْرَبْ مِنْهُ وَ تَوَضَّأْ. قَالَ قُلْتُ لَهُ: الْكَلْبُ؟ قَالَ: لَا. قُلْتُ: أَلَيْسَ هُوَ سَبْعٌ؟ قَالَ: لَا وَ اللَّهُ إِنَّهُ نَجَسٌ؟ لَا وَ اللَّهُ إِنَّهُ نَجَسٌ.» (۲۸)

عذافر از امام صادق (ع) از نوشیدن و وضو گرفتن با پس مانده آبی که بعضی از حیوانات (سنور، گوسفند، گاو، شتر، الاغ، اسب، استر و درندگان) نوشیده اند، سوال کرد. امام فرمود: بنوش و وضو بگیر. سپس از سگ سوال کردم. امام فرمود: نه. پرسیدم: آیا او یک درنده (مثل دیگر درندگان)

نیست؟ فرمود: نه به خدا، او نجس است. نه به خدا، او نجس است.

۲. «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ (۲۹).»

عبدالله بن ابی یعفور از امام صادق (ع) نقل می کند: همانا خداوند نیافرید خلقي را که نجس تر از سگ باشد.

۳. «عَنِ الْفَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ فَضْلِ الْهَرَّةِ وَالشَّاةِ وَالْبَقَرَةِ وَالْإِبِلِ وَالْجِمَارِ وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْوَحْشِ وَالسَّبَاعِ، فَلَمْ أَتْرِكْ شَيْئًا إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ؛ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ؛ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى الْكَلْبِ، فَقَالَ رَجَسَ نَجَسًا.» (۳۰)

فضلي گوید از امام صادق (ع) از پس مانده حیوانات (گره، گوسفند، گاو، شتر،...) سوال کردم؛ و امام فرمود: اشکالي ندارد. تا اینکه از سگ سوال کردم؛ و امام فرمود: پلید و نجس است.

۴. «سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْكَلْبِ؛ فَقَالَ: رَجَسَ نَجَسًا، لَا يُتَوَضَّأُ بِفَضْلِهِ، وَاصْبُبْ ذَلِكَ الْمَاءَ وَاغْسِلْهُ بِالتُّرَابِ أَوَّلَ مَرَّةٍ تَمَّ بِالْمَاءِ.» (۳۱)

راوي حکم سگ را از امام صادق (ع) سؤال کرد، حضرت فرمود: پلید و نجس است، از اضافه آبی که آشامیده نباید وضو گرفته شود، آن آب را بریز و (ظرف) را بار اول با خاک و سپس با آب بشوی.

۵. «عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ سُورِ الْكَلْبِ يُشْرَبُ مِنْهُ أَوْ يُتَوَضَّأُ؟ قَالَ: لَا؛ قُلْتُ أَلَيْسَ سَبْعُ؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ نَجَسٌ، لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ نَجَسٌ.» (۳۲)

ابن شریح، حکم نیم خورده سگ را از امام صادق (ع) پرسید که آیا می توان از آن نوشید یا با آن وضو گرفت؟ حضرت فرمود: نه، راوی پرسید: آیا او یک درنده (مثل دیگر درندگان) نیست؟ فرمود: نه، به خدا سوگند، او نجس است. نه، به خدا سوگند، او نجس است.

۶. «عَنْ أَبِي سَهْلٍ الْقُرَشِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ لَحْمِ الْكَلْبِ؛ فَقَالَ هُوَ مَسْحُوحٌ. قُلْتُ: هُوَ حَرَامٌ؟ قَالَ: هُوَ نَجَسٌ؛ أُعِيدُهَا عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ هُوَ نَجَسٌ.» (۳۳)

ابی سهل می گوید از امام صادق (ع) درباره گوشت سگ سؤال کردم، حضرت فرمود: از حیوانات مسخ شده است. گفتیم آیا حرام است؟ امام فرمود: نجس است. سه مرتبه این سوال را تکرار کردم و هر سه بار امام فرمود: نجس است.» و مواردی دیگر.

همانطور که در بحث لغوی گذشت، با وجود حقیقت شرعی برای واژه نجس، این دسته از روایات برای اثبات حکم نجاست سگ کفایت می کنند، و به صراحت بیانگر آن هستند. موفق باشید

